

نامه‌ی چاپ نشده از دکتر محمد مصدق در موزه‌ی آثار خطی دکتر محفوظی

حسن امین

مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی و موزه‌ی آثار خطی و فرهنگی دکتر محمد مصدق محفوظی، گلگشتی فرهنگی برای متفکران، استادان، پژوهشگران، دانشگاهیان، دانشجویان رشته‌های مختلف و مردم علاقه‌مند به تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی است.

میراث مکتوب شامل کتب خطی، خطوط اسلامی قسمت اعظم این موزه را تشکیل می‌دهد. نقاشی، سکه، مهر، انگشتری، قلمدان، قاب، آینه و انواع دیگر «صنایع مستظرفه» زینت‌بخش این مجموعه‌ی قریب به ۸۰ هزار قطعه‌ی شده است که توانسته مورد تشویق سازمان‌های یونسکو، کنفرانس اسلامی و میراث فرهنگی قرار گیرد.

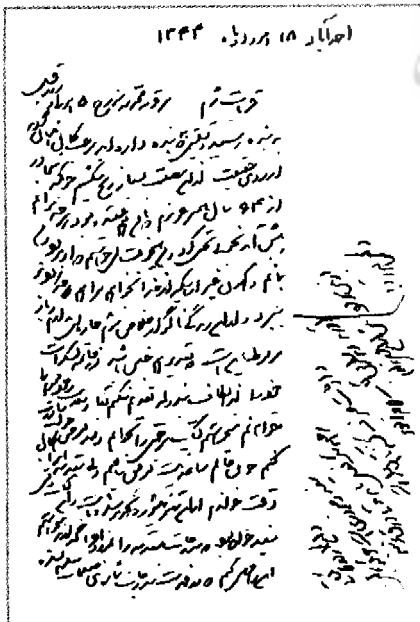
در این جا، تصویر نامه‌ی چاپ نشده از زنده‌یاد دکتر محمد مصدق مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۴۴ را که در موزه‌ی دکتر محفوظی نگهداری می‌شود و من آن را نه در مجموعه‌ی دو جلدی کتاب نامه‌های دکتر مصدق تدوین محمد ترکمان یافتم و نه تاکنون در جای دیگر به چاپ رسیده است، زینت‌بخش این شماره‌ی مردادماه که یادآور کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، قرار می‌دهم. مخاطب این نامه، معین نیست ولی معلوم است که اولاً این نامه در جواب تسلیت مخاطب به مناسبت فوت همسر دکتر مصدق نوشته شده است و ثانیاً، مخاطب این نامه مؤلف و نویسنده بوده است و دکتر مصدق اظهارنظرهایی نسبت به کتاب او کرده است هرچند عنوان کتاب معلوم نیست.

«احمدآباد - ۱۸ مرداد ۱۳۴۴»

قربانت شوم. مرقومه‌ی محترمه مورخ ۵ مرداد روز قبل به بنده رسید و تسلیتی که به بنده داده‌اید، موجب کمال امتنان گردید. از روی حقیقت از این مصیبت بسیار رنج می‌کنم، چون که متجاوز از ۶۴ [شصت و چهار] سال همسر عزیزم که با من هم‌عقیده بود، هر چه برایم پیش آمد، به خوبی تحمل کرد و من هیچ وقت نمی‌خواستم که او برود و من بمانم و اکنون غیر از این که از خدا بخواهم هرچه زودتر [مرا] ببرد و از این زندگی ناگوار خلاص شوم، چاره‌ی ندارم و باز مربوط به این است که تقدیر هم چنین باشد.

در خاتمه، تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم. بقاء و سلامت وجود محترم را

خواهانم. می‌خواستم کتاب مرحمتی را ببخوانم و بعد عرض ارادت کنم، چون حال مساعد نیست، توفیق نیافتم ولی مقدمه‌ی آن را با کمال دقت خواندم. از این بهتر نمی‌شود که تحریر شده است. و این کتاب وقتی مفید خواهد بود که مندرجات مقدمه را به مورد اجرا گذارند. می‌خواستم این را عرض کنم که در فهرست مندرجات، شماره‌ی صفحات معلوم نشده و این کار در هر کتابی مفید و ضروری است چون که برای مراجعه به یک فصل باید تا مدتی ورق بزنند و اوقات صرف کنند تا آن را به‌دست آورند و بدین طریق [وقت خواننده‌ی] کتاب مزبور از بین می‌رود. بیش از این عرضی ندارم. دکتر محمد مصدق [امضا]



به دوران ساسانی - پایه‌ی سنگی یک آتشکده در روستای شولان مربوط به دوران ساسانی - قصر بهرام در کوشک زر مربوط به دوران ساسانی و... (اقلید در دامنه‌ی زاگرس، ۱۳۸۱، صص ۱۴۲ و ۱۴۳)

۷- «سنگ‌نیشته‌ی تنگ براق» مربوط به دوره‌ی ساسانی که در روستای تنگ براق واقع در چند کیلومتری روستای آسپاس پیدا شده نیز احتمال این‌که گور بهرام در این روستا باشد را بیش‌تر می‌کند.

۸- «... نیشته‌ی مزبور بر تخته سنگی به ابعاد ۱ متر در ۱/۴۰ متر بوده، مشتمل بر ۱۶ سطر که هر سطر ۹۰ سانتیمتر طول دارد و تخته سنگی در وسط تنگ براق نزدیک دهانه‌ی صفه‌ی کوچک غار کم‌عمقی که در دل کوه پیش رفته است به پهلو قرار دارد... می‌توان پنداشت یکی از شاهنشاهان ساسانی که شاید بهرام باشد به‌مناسبت شکار و عبور از این محل بیلاقی آن را به یادگار گذارده است. (اقلیم پارس، ۱۳۷۵، ص ۱۵)

۹- نوعی پوشش گیاهی و زمین‌های شوره‌زاری که در اطراف این باتلاق وجود دارد، گواه دیگری است. نوعی خاک در اطراف این باتلاق وجود دارد که مردم روستا به آن «خاک سوخته» می‌گویند و کسی جرأت نمی‌کند وارد آن شود، زیرا می‌ترسد که غرق شود. ■

فهرست منابع

- ۱- آورده‌اند که... (مجموعه‌ی داستان‌های ایرانی)، به کوشش و تصحیح دکتر ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- ۲- اقلید در دامنه‌ی زاگرس، عبدالعلی آیین‌مهر، اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی اقلید، بهار ۱۳۸۱
- ۳- اقلیم پارس، سیدمحمدتقی مصطفوی، چ دوم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نشر اشاره، تهران، ۱۳۷۵
- ۴- تاریخ مردم ایران (ایران قبل از اسلام)، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، چ نهم، انتشارات امیرکبیر، ۲ جلد، تهران، ۱۳۸۴. ۵- تاریخ ده هزار ساله‌ی ایران، عبدالعظیم رضایی، چ چهارم، انتشارات اقبال، ۲ جلد، بهار ۱۳۷۲. ۶- فارسنامه‌ی ناصری، میرزا حسن حسینی فسایی، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، چ اول، ۲ جلد، چاپخانه‌ی سپهر، تهران، ۱۳۶۷
- ۷- فارسنامه‌ی ابن‌بلخی، به اهتمام گای لسترانج و آلن نیکلسون، چ دوم، نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳
- ۸- گزیده‌ی تاریخ بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، انتخاب و شرح دکتر رضا انزلی‌نژاد، چ پنجم، چاپ‌خانه‌ی سپهر، تهران، ۱۳۷۲.